توسعه ایرانی toseeirani.ir
شماره ۳/پنجشنبه ۷ تیر ۱۳۹۷ / ۱۴ شوال ۱۴۳۹ / ۲۸ ژوئن ۲۰۱۸

PDF Compressor Free Version

۷۱ باند مخوف در تهران فعالیت داشتند

پشت‌پرده باندهای تبهکار پایتخت



گروه حوادث: پلیس تهران در عملیات‌های خزنده ویژه‌ای توانست باندهای مخوف سرقت و کلاهبرداری را ردیابی و گردانندگان آنها را دستگیر کند. در این عملیات‌ها که در طول یک هفته گذشته صورت گرفت ۱۳۸ دزد و کلاهبردار که در قالب ۳۱ باند زنجیره ای فعالیت داشتند دستگیر شدند و تجسس‌ها نشان داد ۷۱ مرد تبهکار از زندانیان قدیمی هستند. هر کدام از این دزدان و شیادان سرنوشت های خاصی دارند که خبرنگار حوادث توسعه ایرانی با برخی از آنها گفت و گوهایی انجام داده است که می خوانید:



دزدشدن قهرمان دوومیدانی کشور!

در میان ۱۳۸ متهم دستگیر شده پسر جوانی با لباس مشکی، در حالی که روی دست راستش بخیه زده بودند آرام نشسته و سرش را پایین انداخته بود، این جوان وقتی در برابر خبرنگار گروه حوادث قرار گرفت با تلخندی ادعا کرد یک روز قهرمان دوومیدانی بودم اما امروز یک سارق افیونی شدم.

سابقه‌داری؟

بله، این بار سوم است که دستگیر شدم.

به چه جرمی دستگیر شدی؟

سرقت خانه.

زخمی شدی؟

بله، همیشه در زمان دستگیری یک دردسری برای من درست می شد که زخمی شوم، اولین بار که پلیس برای دستگیری ام آمده بود پا به فرار گذاشتم که با شلیک پلیس مجروح و دستگیر شدم. بعد از دوران محکومیتم از زندان آزاد شدم اما دوباره سراغ دزدی رفتم که اینبار نیز موقعه دستگیری با خودرو در حال فرار بودم که با یک پراید تصادف کردم و چند روز قبل نیز در زمان دستگیری در طبقه سوم ساختمان بودم که متوجه حضور پلیس شدم به همین خاطر از طبقه سوم به پایین پریدم که دستم به شیشه برخورد کرد و به بیمارستان رفتم.

چرا دزدی می کردی؟

اعتیاد به مواد مخدر دارم و باید خرجی زندگی ام را تامین کنم به همین خاطر دست به دزدی می زدم.

ادعا کردی که قهرمان دوومیدانی بودی چرا مواد مصرف می کنی؟

در دوره جوانی ورزشکار بودم و قهرمان دوومیدانی کشور بودم اما به خاطر یکسری مشکلات که در زندگی ام پیش آمد به سمت مواد مخدر رفتم و همانجا بود که اعتیادم به مواد زیاد شد و برای تامین هزینه زندگی ام مجبور به دزدی شدم.

چرا سر کار نرفتی؟

یک مدت جلوی مترو صادقیه دست فروشی می کردم و سی دی می فروختم که با ماموران شهرداری درگیر شدم و به زندان رفتم و بعد از ۳ ماه زندان با پرداخت ۵ میلیون تومان آزاد شدم، دیگر راهی جز دزدی برای پرداخت بدهکاری و هزینه اعتیادم پیدا نکردم.

چطور وارد خانه‌ها می شدی؟

ساعت ۸ تا ۱۰ شب به سراغ خانه‌هایی می‌رفتیم که چراغ واحدشان خاموش بود و بعد از به صدا در آوردن زنگ خانه اطمینان پیدا می کردیم که کسی داخل خانه نیست سپس از مسیرهای مختلف وارد ساختمان می شدیم و با کارت تلفن یا تخریب در داخل خانه می شدیم و دست به سرقت می زدم.

چقدر زمان برای دزدی می‌گذاشتی؟

بستگی داشت؛ بعضی از خانه ها وسیله یا طلایی نداشتند به همین خاطر با سرقت یکسری وسیله از خانه خارج می شدیم که معمولا ۲۰ دقیقه طول می کشید و در بعضی از خانه ها وسایل و طلاهای زیادی پیدا می کردیم و زمان زیادی داخل خانه بودیم. بیشترین زمان سرقت ۲۰ دقیقه بود که یک ساختمان ۴ طبقه بود که کسی داخل خانه ها نبود و ما به راحتی با تخریب درها وارد خانه می شدیم و سرقت می کردیم.

چقدر پول به دست آوردی؟

در این مدت یک پراید خریدم و ۴۰ میلیون تومان سهم من شده بود که هزینه زندگی ام کردم.

ردپای دزد تازه کار در سایت دیوار



کامران ۲۸ ساله که تازه کار است با یک فریبکاری بدون اینکه پولی به طعمه‌هایش پرداخت کند گوشی‌های آنها را می گرفت و با فروش آنها در مغازه ها پول خوبی به جیب می‌زد.

سابقه‌داری؟

نه

به چه جرمی دستگیر شدی؟

کلاهبرداری و سرقت.

به چه شیوه‌ای؟

در سایت دیوار طعمه‌هایم را شناسایی می کردم و زمانی که آنها برای فروش گوشی موبایلشان به محل قرار می آمدند ادعا می کردم که از یک برنامه از گوشی ام پول آنها را پرداخت می کنم، سپس گوشی ام را دستم می گرفتم و در حالی که با آنها صحبت می کردم و شماره کارت بانکی شان را می گرفتم عنوان می کردم که پول واریز شد، سپس یک عکس از صفحه پرداخت پول که با موفقیت ثبت می شود را به آنها نشان می دادم و سپس گوشی و جعبه را تحویل می گرفتم و به سرعت پا به فرار می گذاشتم.

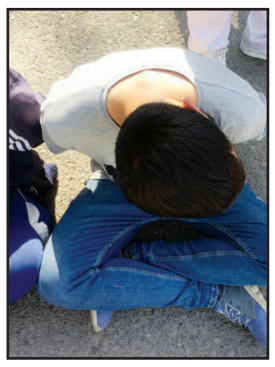
کسی به کارهایت شک نمی‌کرد؟

عکس صفحه پرداخت پول را از قبل در گوشی ام داشتم و بعضی از آنها که می گفتند از بانک برایشان پیامک می آید با چرب زبانی می گفتم که عجله دارم و شاید پیامک دیر به دستشان برسد و همیشه در محل های شلوغ این کار را می کردم که زود ناپدید شوم.

فکر می کردی دستگیر شوی؟

نه. چون تازه کار بودم.

سرقت مسلحانه از خانه یک دوست



مجید ۲۱ ساله که تا به حال دزدی نکرده برای اولین بار با در دست داشتن یک کلت کمری اسباب بازی دست به دزدی زده است.

سابقه داری؟

نه، تازه کار هستم.

چرا دزدی؟

مجبور بودم، باید اجاره خانه خودم و خواهرم را می دادم به همین خاطر دست به دزدی زدم.

به چه شیوه و شگردی دزدی کردی؟

چندی قبل در پارک ساعی با یک پسر جوان آشنا شدم و دوستی مان ادامه دار بود تا اینکه یک روز به خانه شان در منطقه افسریه رفتم که با دیدن لپ تاپ وسوسه شدم و آن را سرقت کردم و در زمان فرار همسایه‌ها قصد زمینگیر کردن مرا داشتند که تفنگ کلت پلاستیکی را که برای برادرزاده ام خریده بودم بیرون کشیدم و توانستم فرار کنم.

فکر می کردی دستگیر شوی؟

بله، ولی مجبور بودم.

کی دستگیر شدی؟

یک هفته قبل در منطقه سبلان دستگیر شدم.

پشیمانی؟

بله، چون شرایط بدتر از قبل شد.

سرقت مسلحانه



مجتبی ۲۷ ساله که اعتیاد به شیشه به خاطر بیماری اش قرص اعصاب و روان می خورد به خاطر سرقت مسلحانه از چند مغازه سوپرمارکتی در تهران دستگیر شده است.

سابقه‌داری؟

نه، اولین بار است که دستگیر شدم.

به چه شیوه ای دزدی می کردی؟

با در دست داشتن تفنگ ساچمه ای وارد سوپرمارکت ها می شدم و با تهدید اقدام به سرقت گوشی موبایل، پول و شارژ سیم کارت های می کردم و پس از آن با خارج شدن از مغازه سوار بر موتور سیکلت همدستم فرار می کردم.

اسلحه را از کجا خریدی؟

از طریق اینترنت تفنگ را خریدم.

چطور اعتماد کردی؟

با هم قرار گذاشتیم و سر قرار با پرداخت ۱۲۰ هزار تومان تفنگ ساچمه ای را خریدم.

اخبار حوادث

دستگیری ۴ پلیس که سارق آثار باستانی بودند

۴ مأمور انتظامی به اتهام دزدی آثار تاریخی دستگیر شدند. رئیس دادگستری شهرستان سیروان از نقش آفرینی چهار مأمور انتظامی در دزدی آثار تاریخی با همکاری راننده بیل مکانیکی خبر داد و گفت: متهمان دستگیر شده تحویل مراجع قضایی شدند. محمد حسنوند در این باره اظهار داشت: با رصد اطلاعاتی سپاه ناحیه سیروان و دستور قاطع دادستان سیروان یک باند هفت نفره حفاری در شهرستان سیروان دستگیر شدند. وی افزود: این باند متشکل از یک کارمند شهرداری سیروان (راننده بیل مکانیکی) و چهار مأمور انتظامی و دو فرد دیگر بوده که هفته گذشته اقدام به چندین حفاری برای کشف آثار باستانی و عتیقه کردند. رئیس دادگستری شهرستان سیروان اضافه کرد: بلافاصله با هماهنگی دادستان سیروان و دستگیری متهمین پرونده اقدامات اولیه صورت گرفت و متهمان پرونده در نخستین فرصت دستگیر شدند. حسنوند ادامه داد: در جریان این پرونده نیز هر ۷ نفر دستگیر و در اختیار مراجع قضایی قرار گرفتند، رأی نهایی در این خصوص هنوز صادر نشده و افراد مذکور متهم محسوب می‌شوند. وی اضافه کرد: در حال حاضر پرونده تشکیل شده که با صدور کیفرخواست طی روزهای آتی برای رسیدگی نهایی به دادگاه ارسال خواهد شد. رئیس دادگستری شهرستان سیروان ادامه داد: در فضای عمومی جامعه مطالبی دال بر دستگیری و یا دست داشتن برخی مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی در این پرونده مطرح شده است. حسنوند گفت: این شایعه‌ها را تکذیب کرده و اعلام می کنم که تنها چهار مأمور انتظامی به همراه یک کارگر شهرداری در قالب راننده بیل مکانیکی به همراه دو تن دیگر که از افراد شخصی و بومی شهرستان سیروان بوده در این پرونده نقش آفرین بوده‌اند.

دستگیری قاتل مامور بدرقه زندان رامهرمز

قاتل مامور بدرقه زندان رامهرمز که با اصابت گلوله منجر به شهادت گروهبان یکم نوید حقیقت‌شناس شده بود خود را به پلیس معرفی کرد. دادستان عمومی و انقلاب شهرستان رامشیر در این باره اظهار کرد: قاتل مامور بدرقه زندان رامهرمز که با اصابت گلوله منجر به شهادت گروهبانیکم نوید حقیقت شناس شده بود خود را به پلیس معرفی کرد. این مقام قضایی در ادامه افزود: پرونده در مرحله تحقیقات مقدماتی است. گفتنی است، ۲۲ خرداد ماه گروهبانیکم نوید حقیقت شناس که در حین بدرقه متهمان از رامشیر به رامهرمز بود با حمله مهاجم مسلح زخمی و مورد اصابت گلوله قرار گرفت که بدلیل شدت جراحت وارده به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

پیداشدن جسد مرد قزوینی در سد زیاران

سرپرست جمعیت هلال احمر شهرستان آبیک از کشف جسد مرد ۴۰ ساله در سد زیاران خبر داد. محمدرضا رحیمی سرپرست جمعیت هلال احمر آبیک گفت: صبح دیروز ماموران حراست سد انحرافی زیاران هنگام گشت زنی جسد مجهول الهویه ای را روی آب مشاهده کردند و به هلال احمر اطلاع دادند. به گفته رحیمی، سه اکیپ از هلال احمر و دو اکیپ از آتش نشانی در محل حضور یافتند و جسد را از آب بیرون کشیدند.

۶۱ سال زندان برای شکنجه پدرزن دوم

گروه حوادث: حکم ۶۱ سال زندان مرد سه زنه که پس از بازگشت از ماه عسل با همسر سومش پدرزن همسر دومش را ربوده و وی را به شدت شکنجه کرده بود دیروز در دیوان عالی کشور مهر تایید خورد. رسیدگی به این پرونده از خرداد ماه امسال به دنبال شلیک چندین گلوله در خانه ای در کوهدشت در دستور کار پلیس قرار گرفت. عامل شلیک مرد ۴۱ ساله ای به نام علی بود که با گروگان گرفتن پدرزنش خانه عمویش را ترک کرده و همراه دو همدستش گریخته است. پلیس گروگان را نجات داد و علی لب به اعتراف گشود و به ربودن پدر زن دومش اعتراف کرد. علی دیروز در شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان در حالی پای میز محاکمه ایستاد که همچنان ردی از دو همدست فراری وی به دست می آمد. متهم در دادگاه به دفاع پرداخت و گفت: قبول دارم در این ماجرا کلاشینکف داشتم و روز آدم ربایی پدرزنم را حدود ساعت ۸ صبح از تهران سوار ماشین کردم و به کوهدشت بردم اما در مدت ۲۴ ساعت او را شکنجه ندادم. من از او در خانه عمویم پذیرایی کردم. تهدیدهایم برای این بود که همسرم را به خانه برگرداند.

گزارش

قاتل صبح دیروز محاکمه شد

پای شکسته سگ خانگی منجر به قتل دختر شد



گروه حوادث: دختر جوان که نمی‌خواست زندگی‌اش با مرد دروغگو از هم بپاشد برای دریافت نسخه‌ای سحرآمیز از یک رمال خیالی پول میلیونی پرداخت اما وقتی به حقیقت پی برد کشته شد.

جسدی در بزرگراه

۱۶ اسفند ماه سال ۹۵ عابرانی که از حاشیه اتوبان حکیم می گذشتند با صحنه وحشتناکی روبه رو شدند. جنازه یک دختر جوان حاشیه ورودی خط جنوب بزرگراه حکیم به بزرگراه شهید باکری به چشم می خورد. عابران بلافاصله با ۱۱۰ تماس گرفتند و ماموران کلانتری ۱۳۳ شهرزیبا در محل حاضر شدند. شواهد نشان می داد جنازه متعلق به یک زن ۳۰ ساله است که با ضربات چاقو کشته شده است. جنازه به پزشکی قانونی منتقل شد و پلیس به بررسی‌های تخصصی پرداخت.

در بررسی‌ها روشن شد یک روز قبل مردی ناپدید شدن دختر ۳۰ ساله اش به نام لیلا را به پلیس گزارش کرده بود. وی گفت: دخترم ۱۵ اسفندماه از خانه‌مان در حوالی میدان تجریش بیرون رفت و دیگر بازنگشت.

نشانی‌هایی که این پدر آشفته از دختر گمشده‌اش به پلیس ارائه داد با نشانی‌های جنازه مطابقت داشت.

پلیس در نخستین گام از تحقیقات پلیس به پرس و جواز خانواده لیلا پرداخت و دریافت دختر جوان مدتی قبل از طریق شبکه‌های مجازی با پسرجوانی به نام حسین آشنا شده و با وجود مخالفت خانواده‌اش در مرداد ماه سال ۹۵ با وی ازدواج کرده بود ولی پس از مدت کوتاهی متوجه دروغگویی های همسرش شده و فهمیده بود حسین یکسال قبل با دختر جوانی ازدواج کرده و این موضوع را از وی پنهان کرده بود.

مادر لیلا در تشریح این ماجرا به ماموران گفت: دخترم وقتی متوجه این ماجرا شد از همسرش جدا شد ولی پس از مدت کوتاهی به خاطر علاقه ای که به او داشت تصمیم گرفت دوباره به زندگی برگردد. به همین علت از دوستش سحر و همسر وی به نام مهدی برای میانجگری کمک خواسته بود. دخترم چند روزی بود که مدام به دیدن سحر و همسرش می رفت تا اینکه کشته شد.

با اطلاعاتی که این زن به پلیس داد سحر و مهدی شناسایی و بازداشت شدند. مهدی با دروغگویی سعی داشت پلیس را گمراه کند ولی وقتی در بن بست اطلاعاتی گرفتار شد لب به اعتراف گشود و به قتل دختر جوان اعتراف کرد.

وی گفت: من و همسرم سعی کردیم برای آشتی دادن لیلا و حسین میانجگری کنیم ولی نشد. آن زمان یک ماه بود ازدواج کرده بودم و شغل مناسبی نداشتم.

حتی مجبور شده بودم برای زندگی به خانه همسرم بروم. همان روزها پای سگ همسرم هم شکسته بود و من پولی برای درمان آن نداشتم. به همین خاطر تصمیم گرفتم تا از لیلا پول بگیرم. من به دروغ به او گفتم رمالی را می شناسم که می تواند در مدت ۲۹ روز در عوض دریافت ۲ میلیون تومان با دادن نسخه ای سحرآمیز زندگی ات را سروسامان دهد. لیلا که از شنیدن این حرف خوشحال شده بود ۲ میلیون تومان را به من داد اما وقتی دید با گذشت بیش از یک ماه از این ماجرا هیچ تغییری در زندگی اش ایجاد نشده و نسخه ای هم دریافت نکرده است چند بار با من تماس گرفت و پولش را خواست.

این مرد ادامه داد: لیلا مدام او تهدیدم می کرد اگر پول را به او پس ندهم ماجرا را به سحر می گوید. به همین خاطر با او قرار گذاشتم. لیلا با آژانس به زیر پل حکیم آمد و سوار ماشینم شد. از او خواستم تا برای برگرداندن پولش به من فرصت دهد اما قبول نکرد با هم درگیر شدیم. من او را به داخل شمشادها هول دادم و چند ضربه چاقو به او زدم. سپس کیفش را که حاوی ۲۵۰ هزار تومان پول بود برداشتم و فرار کردم.

در دادگاه

این مرد به بازسازی صحنه جرم پرداخت و دیروز در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران به دفاع پرداخت.

در ابتدای این جلسه پدر و مادر لیلا برای مهدی حکم قصاص خواستند. سپس مهدی به دفاع پرداخت و گفت: من قتل را قبول ندارم. وقتی با لیلا درگیر شدم چند ضربه چاقو به او زدم ولی ضربه ها کشنده نبود من او را در حاشیه اتوبان رها کردم و چند روز بعد متوجه شدم کشته شده است. باور کنید من او را نکشته‌ام.

بنابه این گزارش، در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.